

علوم انسانی اسلامی، اصلاح نظام تعلیم و تربیت و آموزش عالی

فاطمه کارچانی

تعلیم و تربیت لازمه ی هدایت انسان به سمت کمال است. اما این سوال مطرح می شود که کمال نهایی انسان در چیست؟ « بر اساس حکمت الهی هدف از آفرینش انسان رسیدن به بی نهایت است از آنجایی که تنها موجود بی نهایت خدای متعال است، تنها هدفی که می تواند تامین کننده ی کمال متناسب با ظرفیت وجودی انسان باشد، تقرب کامل به اوست.»<sup>۱</sup> اما با تعلیم و تربیت باید انسان را به سمت کمال نهایی خودش هدایت کرد. امام خمینی (ره) می فرماید: « با علم است که انسان می تواند تامین سعادت دنیا و آخرت را بکند، با آموزش است که انسان می تواند جوان ها را تربیت کند به طوری که مصالح دنیا و آخرت خود را خودشان حفظ کنند. اگر کشور ما علم را بیاموزد، ادب بیاموزد، جهت یابی علم و عمل را بیاموزد هیچ قدرتی نمی تواند بر او حکومت کند.»<sup>۲</sup> نکته ی مهم در این سخن امام خمینی (ره) جهت دار بودن علم و همراهی آن با ادب است. یعنی تنها علم با این شرط که همراه تربیت باشد انسان را به کمال می رساند. از جمله نهادهایی که عهده دار این مسئولیت مهم هستند؛ نظام تعلیم و تربیت و آموزش عالی می باشند. اما آیا این نهادها این مسئولیت را به درستی انجام می دهند؟

یکی از دلایل وجود شکاف بین هدف تعلیم و تربیت در اسلام و آنچه در نظام تعلیم و تربیت جامعه ما اتفاق می افتد، این است که ما از یک نظریه جامع و متناسب با فرهنگ خودمان برخوردار نیستیم. با توجه به این که « دین حنیف اسلام همه ی ضوابط و معیارهای یک نظریه مبنایی و اساسی در تعلیم و تربیت را داراست. دیدگاه های هستی شناختی، شناخت شناسی و ارزش اسلامی مشخص و مسلم است. ماهیت انسانی و معیارهای زندگانی شایسته او و اهداف آن در منابع اسلامی آمده است.»<sup>۳</sup> با توجه به این ظرفیتی که دین اسلام دارد اما متأسفانه علوم انسانی که برای تهیه نظریه در زمینه تعلیم و تربیت مبنای ماست، بومی نیست. امام خامنه ای (مدظله العالی) معتقدند که: « علوم انسانی اهمیت دارد علوم انسانی کنونی در کشور بومی نیست. متعلق به ما نیست و ناظر به نیازهای ما نیست. متکی به معارف ما نیست. اصلاً ناظر به مسائل دیگری است. مسائل ما را حل نمی کند. دیگرانی طرح مسئله کردند، برای خودشان حل کردند- به درست و غلطش هم کار نداریم- اصلاً از ما بیگانه است.»<sup>۴</sup> اگرچه تلاش هایی انجام شده تا نظریه ای از طریق تلفیق بین دیدگاه های اسلام و مدرن در تعلیم و تربیت ایجاد شود اما «همیشه در حاشیه اخذ و اقتباس هایی که از غرب به عمل آمده... به منظور هماهنگی و تلفیق دیدگاه های فرهنگ بومی با دیدگاه ها و محتوای گزینش شده از آموزش و پرورش غربی اهداف و انتظاراتی با رنگ و بوی ایرانیت و اسلامیت تدارک و تدوین شده... اما نتایج نوعی سردرگمی و ناهمخوانی بین آرمانها، اهداف و انتظارات مصرح تعلیم و تربیت ما و آنچه در فرایند عمل تحقق می یابد ملاحظه شده و می شود.»<sup>۵</sup>

حال که نظام تعلیم و تربیت و آموزش عالی ما، پاسخ گوی نیازهای جامعه ما و متکی به معارف ما نیستند پس باید برای اصلاح آنها برنامه ریزی کرد. این اصلاح را باید از علوم انسانی شروع کرد. همانطور که گفته شد علوم انسانی که امروز مبنای برنامه ریزی در نظام تعلیم و تربیت ماست اسلامی نیست.

باید ابتدا به اسلامی سازی علوم انسانی از جمله علوم تربیتی پرداخت. لازم به ذکر است که «علوم انسانی زمانی اسلامی خواهد بود که دغدغه آنها کشف حقیقت باشند... و اینکه اولاً، از همه ی منابعی که می توانند چهره از حقیقت در مساله ی مورد نظر بردارند، استفاده شود ثانیاً، هرگز خود را محدود به روش خاصی یا اسیر متد واحدی نکنند.»<sup>۶</sup>

به نظر می رسد باید از دانشگاه ها این اصلاح صورت گیرد. یعنی در دانشگاه دانشجویانی تربیت شوند که بتوانند یک نظریه جامع و بومی در زمینه تعلیم و تربیت تهیه کنند و این نظریه مبنایی شود برای برنامه ریزی در نظام آموزش و پرورش. برای این کار باید مراحل طی شود. « ۱. تبیین ضرورت تحول در علوم انسانی، جهت تقویت انگیزه استادان و دانش پژوهان ۲. جهت دار کردن پژوهش ها در راستای اسلامی سازی علوم از طریق ارائه موضوع های مناسب به دانش پژوهان کارشناسی ارشد و دکتری ۳. آشنایی کامل با اندیشه های اسلامی تا مبدا اندیشه های مخرب غربی بر ذهن آنها اثر بگذارد ۴. آشنایی با علوم انسانی رایج در دنیا؛ ابراهیم فیاض می گوید: کسی را در ایران نمی شناسم که وبر، مارکس یا پوپر را فهمیده باشد. بیشتر این حرف ها شعر و شعار است... زیرا محال است کسی چیزی را بفهمد و بعد نتواند درباره آن نوآوری کند. ۵. در مقابل هم قرار دادن و مقایسه ی صحیح و منطقی اندیشه های اسلامی و غربی تا برتری مبانی فکری اسلامی روشن شود. محقق در مقام تحقیق باید همه ی نظریه های مطرح و حتی احتمالی را در نظر بگیرد. خداوند سبحان در وصف خردمندان می فرماید: "الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه"<sup>۷</sup> ۶. نظریه پردازی در زمینه علوم انسانی.»<sup>۸</sup>

در بحث اسلامی سازی علوم نکته مهم مبنا قرار دادن مباحث انسان شناسی در همه ی شاخه های علوم انسانی است. اما خمینی (ره) انسان شناسی را زیربنای علوم انسانی اسلامی میدانند. زیرا « انسان است که موضوع اصلی و حقیقی همه ی علوم انسانی است... ابتدا باید شناخت دقیقی از نحوه ی هستی و سطوح وجودی انسان پیدا کرد.»<sup>۹</sup> اگر ما فقط بعد مادی انسان را در نظر بگیریم قطعاً برنامه ی تربیتی ما برای انسان متفاوت است از زمانی که او را دارای دو بعد مادی و معنوی بدانیم. ایشان فطرت را مهمترین عنصر شناخت انسان می دانند چرا که « فطرت از اختصاصات انسان در بین جمیع مخلوقات است و مشترک میان همه ی انسان ها و احدی را در آن اختلاف نباشد... از این رو باید تمامی معارف انسان و سیر زندگی او بر اساس این فطرت که امر ثابت و مشترک است بنا شود... مهم ترین فطریات بشر گرایش و میل به علم است که ریشه در عشق به کمال مطلق دارد و نقش مهمی را در ساخت

۱. زمر، ۱۸

جوهر انسان به عهده دارد.<sup>۹</sup> پیش از این هم اشاره شد که علم جهت دار و همراه با تربیت می تواند انسان را به کمال مطلوبش برساند چرا که انسان به طور فطری گرایش به علم دارد تا به کمال مطلق برسد. امام خمینی (ره) تاکید زیادی بر همراهی تعلیم و تربیت دارند ایشان می فرمایند: «اسلامی سازی علوم دانشگاه و مدارس فقط به تغییر بنیان های نظری و فلسفی و فقهی و استفاده از آموزه های اسلامی صرف نیست بلکه علاوه بر آنها باید به مسئله تربیت و اخلاق هم توجه شود... ما می گوییم در این ۵۰ سال یا بیشتر... جوان های ما اگر علم هم پیدا کرده باشند، تربیت نشده اند... علمی میزان است و برای بشر سعادت دارد که تربیت در او باشد... آنکه اسلام می خواهد این است که تمامی علوم مهار بشود به علوم الهی و به توحید برگشت بکند، هر علمی جنبه الوهیت در آن باشد. یعنی انسان طبیعت را که می بیند خدا را در آن ببیند... اسلام برای برگرداندن تمام موجودات طبیعی به الهیت و تمام علوم طبیعی به علم الهی آمده است.»<sup>۱۰</sup> البته که در نظام تعلیم و تربیت ما و آموزش عالی، تربیت به این معنا اتفاق نمی افتد. آیا دانش آموزان ما خدا را در علوم غیر دینی شان مانند علوم تجربی، ریاضی و... می بینند؟ آیا خروجی های آموزش و پرورش ما انسان هایی هستند که قادر به تشخیص مصالح دنیا و آخرتشان هستند؟ در دانشگاه هم آیا کسی که به طور مثال فیزیک یا حتی خود علوم انسانی مانند اقتصاد می خواند نیازی به علم اخلاق می بیند؟ همین امر باعث می شود که علم منشاء شرارت شود به جای سعادت. این یعنی تعلیم بدون تربیت آن چیزی که امام خمینی (ره) آن را بی فایده بلکه مضر می داند. پس ما نیاز داریم دانشگاه های ما به تولید علوم انسانی اسلامی پردازند که «در آن علاوه بر مسائل مربوط به هستی و دانش و ارزش، موقعیت علم و تکنولوژی و سمت سوی حرکت آنها و نیز نیاز های فرد و جامعه در چارچوبی مشخص تنظیم شده باشد.»<sup>۱۱</sup> در این صورت «چیزی نمی گذرد که همه ی جوان های ما که آتیه ی این مملکت هستند، همه اصلاح می شوند، همه نه شرقی و نه غربی بار می آیند و همه بر صراط مستقیم واقع می شوند.»<sup>۱۲</sup>

پی نوشت ها:

- ۱- فتحعلی، ۱۳۹۴: ۸۴
- ۲- امام خمینی (ره) به نقل از موسوی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷
- ۳- پاک سرشت، ۱۳۸۶: ۱۳۸
- ۴- امام خامنه ای (مدظله العالی) به نقل از موسوی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۸
- ۵- پاک سرشت، ۱۳۸۶: ۱۴۰
- ۶- شریفی، ۱۳۹۴: ۲۱۴
- ۷- علامه مصباح به نقل از محیطی اردکان، ۱۳۹۱
- ۸- موسوی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱
- ۹- امام خمینی (ره) به نقل از موسوی، ۱۳۹۴
- ۱۰- امام خمینی (ره) به نقل از موسوی، ۱۳۹۴
- ۱۱- پاک سرشت، ۱۳۸۶: ۱۴۵
- ۱۲- امام خمینی (ره) به نقل از موسوی، ۱۳۹۴: ۱۳۴

#### منابع

- فتحعلی محمود، (۱۳۹۴)، انسان راه و راهنماشناسی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- موسوی مهدی، (۱۳۹۴)، الگوهای کلان تولید علوم انسانی اسلامی در بستر انقلاب اسلامی، تهران، آفتاب توسعه
- شریفی احمدحسین، (۱۳۹۴)، مبانی علوم انسانی اسلامی، تهران، آفتاب توسعه
- محیطی اردکان، (۱۳۹۱)، بایدها و نبایدهای اسلامی سازی علوم انسانی از دیدگاه علامه مصباح، مجله معرفت فلسفی (۳۷) صص ۱۳۷-۱۶۵
- پاک سرشت محمدجعفر، (۱۳۸۶)، نظریه های تربیتی و چالش های نظریه پردازی در آموزش و پرورش ایران، فصلنامه نوآوری های آموزشی (۲۰) صص ۱۲۵-۱۴۸